

احکام نماز مسافر و نماز قضا

فهرست عناوین مبحث نماز مسافر و نماز قضا

[✕ نماز مسافر](#)

[✕ نماز قضا](#)

نماز مسافر

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با هشت شرط، شکسته بجا آورد یعنی دو رکعت بخواند:

شرط اول: آنکه سفر او هشت فرسخ شرعی یعنی ۴۵ کیلومتر باشد.

کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است اگر رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد باید نماز را شکسته بخواند بنابراین اگر رفتن سه فرسخ و برگشتن پنج فرسخ باشد باید نماز را تمام بخواند.

اگر رفتن و برگشتن هشت فرسخ باشد باید نماز را شکسته بخواند چه همان روز و شب بخواهد برگردد یا غیر آن روز و شب.

اگر سفر مختصری از هشت فرسخ کمتر باشد یا انسان نداند که سفر او هشت فرسخ است یا نه نباید نماز را شکسته بخواند و چنانچه شک کند که سفر او هشت فرسخ است یا نه در صورتی که تحقیق کردن برایش مشقتی دارد که معمولاً تحمل نمی شود باید نمازش را تمام بخواند و اگر مشقت (به معنایی که گفته شد) ندارد بنا بر احتیاط واجب باید تحقیق کند که اگر دو عادل بگویند یا بین مردم معروف باشد که سفر او هشت فرسخ است نماز را شکسته بخواند و یا نمازش را احتیاطاً هم شکسته و هم تمام بخواند.

اگر یک عادل خبر دهد که سفر انسان هشت فرسخ است ظاهر این است که با خبر عادل واحد سفر هشت فرسخ ثابت نمی شود و باید نماز را تمام بخواند و احوط آن است که هم شکسته و هم تمام (جمع) بخواند.

کسی که یقین دارد سفر او هشت فرسخ است اگر نماز را شکسته بخواند و بعد بفهمد که هشت فرسخ نبوده باید آن را چهار رکعتی بجا آورد و اگر وقت گذشته باید قضا نماید.

کسی که یقین دارد سفرش هشت فرسخ نیست یا شک دارد که هشت فرسخ هست یا نه چنانچه در بین راه بفهمد که سفر او هشت فرسخ بوده اگر چه کمی از راه باقی باشد باید نماز را شکسته بخواند و اگر تمام خوانده دوباره شکسته بجا آورد.

اگر بین دو محلی که فاصله آنها کمتر از چهار فرسخ است چند مرتبه رفت و آمد کند اگرچه روی هم رفته هشت فرسخ شود باید نماز را تمام بخواند.

اگر محلی دو راه داشته باشد یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد چنانچه انسان از راهی که هشت فرسخ است به آنجا برود باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود باید تمام بخواند.

اگر شهر دیوار دارد باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار شهر حساب کند و اگر دیوار ندارد باید از خانه های آخر شهر حساب نماید و در شهرهای بزرگ خارق العاده در صورتی که خارج شدن از یک محله تا محله بعدی، در نظر عرف سفر به حساب بیاید ابتدای هشت فرسخ از آخر محله محاسبه می شود.

شرط دوم: آنکه از اول مسافت قصد هشت فرسخ را داشته باشد، با توجه به این شرط، اگر فرد قصد داشته باشد به جایی برود که کمتر از هشت فرسخ می شود و بعد از رسیدن به آنجا تصمیم بگیرد به جایی دیگر برود چنانچه پس از آن هشت فرسخ می شود و حداقل چهار فرسخ آن رفتن است نمازش شکسته است و اگر پس از آن هشت فرسخ نمی شود هر چند با محاسبه مسیر قبلی هشت فرسخ بشود نمازش تمام است. و اگر از ابتدا قصد داشته باشد که به مقصد اول رفته و پس از آن به مقصد دوم برود چنانچه مجموعاً هشت فرسخ می شود نمازش شکسته است هر چند مقصد اول کمتر از هشت فرسخ باشد.

کسی که نمی داند سفرش چند فرسخ است؛ مثلاً برای پیدا کردن گمشده ای مسافرت می کند و نمی داند که چه مقدار باید برود تا گمشده را پیدا کند، باید نماز را تمام بخواند ولی در برگشتن چنانچه تا وطنش یا جایی که می خواهد ده روز در آنجا بماند هشت فرسخ یا بیشتر باشد، باید نماز را شکسته بخواند و نیز اگر در بین رفتن قصد کند که چهار فرسخ برود و برگردد چنانچه رفتن و برگشتن هشت فرسخ شود با شرط آنکه رفتن چهار فرسخ کمتر نباشد باید نماز را شکسته بخواند.

مسافر در صورتی باید نماز را شکسته بخواند که تصمیم داشته باشد هشت فرسخ برود پس کسی که از شهر بیرون می رود و مثلاً قصدش این است که اگر رفیق پیدا کند سفر هشت فرسخی برود چنانچه اطمینان دارد که رفیق پیدا می کند باید نماز را شکسته بخواند و اگر اطمینان ندارد باید تمام بخواند.

کسی که قصد هشت فرسخ دارد اگرچه در هر روز مقدار کمی راه برود وقتی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و اذان آن را نشود باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر در هر روز مقدار خیلی کمی راه برود که نگویند مسافر است باید نمازش را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

کسی که در سفر به اختیار دیگری است مانند نوکری که با آقای خود مسافرت می کند چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است باید نماز را شکسته بخواند و در صورت شک در قصد او احتیاط واجب این است که فحص کند ولی بر آن شخص لازم نیست به او خبر بدهد.

کسی که در سفر به اختیار دیگری است اگر بداند یا گمان داشته باشد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می شود باید نماز را تمام بخواند

کسی که در سفر به اختیار دیگری است اگر شک دارد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می شود یا نه ظاهر این است که باید تمام بخواند مگر اطمینان به عدم مفارقت داشته باشد و نیز اگر شک او از این جهت است که احتمال می دهد مانعی برای سفر او پیش آید چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا نباشد باید نمازش را شکسته بخواند.

شرط سوّم: آنکه در بین راه از قصد خود برنگردد پس اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردد شود باید نماز را تمام بخواند.

اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود چنانچه تصمیم داشته باشد که همان جا بماند یا بعد از ده روز برگردد یا در برگشتن و ماندن مردد باشد باید نماز را تمام بخواند.

اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود و تصمیم داشته باشد که برگردد باید نماز را شکسته بخواند.

اگر برای رفتن به محلی حرکت کند و بعد از رفتن مقداری از راه بخواهد جای دیگری برود چنانچه از محل اولی که حرکت کرده تا جایی که می خواهد برود هشت فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

اگر پیش از آنکه به هشت فرسخ برسد مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و در موقعی که مردد است راه نرود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود باید تا آخر مسافرت نماز را شکسته بخواند.

اگر پیش از آنکه به هشت فرسخ برسد مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و در موقعی که مردد است مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود چنانچه باقی مانده سفر او هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد ولی بخواند برود و برگردد، باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر راهی که پیش از مردد شدن و راهی که بعد از آن می رود روی هم هشت فرسخ باشد، بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

شرط چهارم: آنکه نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند، پس کسی که می خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن بگذرد یا ده روز در محلی بماند باید نماز را تمام بخواند.

کسی که نمی داند پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش می گذرد یا نه یا ده روز در محلی می ماند یا نه، باید نماز را تمام بخواند.

کسی که می خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد یا ده روز در محلی بماند اگر از ماندن ده روز یا گذشتن از وطن منصرف شود باز هم باید نماز را تمام بخواند ولی اگر باقی مانده راه هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد و بخواهد برود و برگردد باید نماز را شکسته بخواند.

شرط پنجم: آنکه برای کار حرام سفر نکند و اگر برای کار حرامی مانند دزدی سفر کند باید نماز را تمام بخواند و همچنین است اگر خود سفر، حرام باشد مثل آنکه سفر برای او ضرر داشته باشد یا زن بدون اجازه شوهر و فرزند با نهی پدر و مادر در صورتی که مخالفت با آن موجب اذیت و ناراحتی یا اسائه ادب به پدر و مادر باشد سفری بروند که بر آنان واجب نباشد ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد باید نماز را شکسته بخواند.

سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد.

کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمی کند اگرچه در سفر معصیتی انجام دهد مثلاً غیبت کند یا شراب بخورد باید نماز را شکسته بخواند.

اگر مخصوصاً برای آنکه کار واجبی را ترک کند مسافرت نماید، نمازش تمام است. پس کسی که بدهکار است اگر بتواند بدهی خود را بدهد و طلب کار هم مطالبه کند چنانچه در سفر نتواند بدهی خود را بدهد و مخصوصاً برای فرار از دادن قرض مسافرت نماید نماز را تمام بخواند ولی اگر مخصوصاً برای ترک واجب مسافرت نکند باید نماز را شکسته بخواند و احتیاط آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

اگر سفر او سفر حرام نباشد ولی حیوان سواری یا مرکب دیگری که سوار است غصبی باشد نمازش شکسته است ولی اگر در زمین غصبی مسافرت کند بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

کسی که با ظالم مسافرت می کند اگر ناچار نباشد و مسافرت او کمک به ظالم باشد باید نماز را تمام بخواند و اگر ناچار باشد یا مثلاً برای نجات دادن مظلومی با او مسافرت کند نمازش شکسته است.

اگر به قصد تفریح و گردش مسافرت کند حرام نیست و باید نماز را شکسته بخواند.

اگر برای لهو و خوش گذرانی به شکار رود نمازش تمام است و چنانچه برای تهیه معاش به شکار رود نمازش شکسته است و اگر برای کسب و زیاد کردن مال برود احتیاط واجب آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند ولی باید روزه نگیرد.

کسی که برای معصیت سفر کرده موقعی که از سفر برمی گردد اگر توبه کرده باید نماز را شکسته بخواند و اگر توبه نکرده باید نماز را تمام بخواند. و اگر برگشتن از سفر در نظر عرف جزء رفتن به سفر، معصیت محسوب شود، بعید نیست وظیفه اش تمام باشد گرچه احتیاط آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

کسی که سفر او سفر معصیت است اگر در بین راه از قصد معصیت برگردد چنانچه باقی مانده راه هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد و بخواند برود و برگردد به شرط آنکه رفتن آن از چهار فرسخ کمتر نباشد باید نماز را شکسته بخواند.

کسی که برای معصیت سفر نکرده اگر در بین راه قصد کند که بقیه راه را برای معصیت برود باید نماز را تمام بخواند ولی نمازهائی را که شکسته خوانده صحیح است.

شرط ششم: آنکه از صحرائشینهائی نباشد که در بیابانها گردش می کنند و هر جا که آب و خوراک برای خود و حشمتان پیدا کنند می مانند و بعد از چندی به جای دیگر می روند و صحرائشینه در این مسافرتها باید نماز را تمام بخوانند.

اگر یکی از صحرائشینه برای پیدا کردن منزل و چراگاه حیواناتشان سفر کند بدون این که منزلش همراهش باشد چنانچه سفر او هشت فرسخ باشد و قبل از این سفر هم ده روز در یکجا نمانده است، باید نمازش را تمام بخواند.

اگر صحرائشینه برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند اینها قبل از اینکه ده روز در یکجا بماند مسافرت کند باید نماز را تمام بخواند.

شرط هفتم: آنکه شغل او مسافرت نباشد بنابراین شتردار و راننده و چوبدار و کشتیان و مانند اینها اگرچه برای بردن اثاثیه منزل خود مسافرت کنند در غیر سفر اول باید نماز را تمام بخوانند ولی در سفر اول اگرچه طول بکشد نمازشان شکسته است.

کسی که شغلش مسافرت است اگر برای کار دیگری مثلاً برای زیارت یا حج مسافرت کند باید نماز را تمام بخواند ولی اگر مثلاً راننده ماشین و اتومبیل خود را برای زیارت کرایه بدهد و در ضمن خودش هم زیارت کند باید نماز را تمام بخواند.

حمله دار یعنی کسی که فقط در ماههای حج به مسافرت اشتغال می ورزد، نماز را باید شکسته بخواند.

کسی که شغل او حمله داری است و حاجیها را از راه دور به مکه می برد چنانچه تمام سال یا بیشتر سال را در راه باشد باید نماز را تمام بخواند.

کسی که در مقداری از سال شغلش مسافرت است مثل شوفری که فقط در تابستان یا زمستان اتومبیل خود را کرایه می دهد باید در زمانی که اشتغال به سفر دارد نماز را تمام بخواند، و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

راننده و دوره گردی که در دو سه فرسخی شهر رفت و آمد می کند چنانچه اتفاقاً سفر هشت فرسخی برود باید نماز را شکسته بخواند.

کسی که شغلش مسافرت است اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد و چه بدون قصد بماند باید در سفر اولی که بعد از ده روز می رود نماز را شکسته بخواند.

کسی که شغلش مسافرت است اگر در غیر وطن خود ده روز با قصد بماند در سفر اولی که بعد از ده روز می رود باید نماز را شکسته بخواند. و اگر قصد ده روز ماندن را نداشته به احتیاط واجب جمع بخواند.

الف. کسانی که بهر علتی معمولاً در هر کمتر از ده روز حداقل یک سفر بیش از ۴۵ کیلومتر دارند در تمام سفرها و تمام مکانها نمازشان تمام است و روزه آنها صحیح می باشد.

ب. این افراد لازم نیست حداقل سه ماه یا چهار ماه مسافرت کنند. بلکه همین که در طول یک ماه حداقل چهار سفر پی در پی بدون فاصله ده روز داشته باشند نمازشان تمام است.

ج. بطور کلی کسانی که نمازشان تمام است اگر ده روز در وطن یا در جایی با قصد اقامه بمانند در سفر اول بعد از ده روز نمازشان شکسته و در سفر بعد نمازشان تمام است.

د. محل تحصیل و محل کار در حکم وطن نیست. بلکه وطن جایی است که انسان به قصد سکونت همیشگی و مادام العمر در آنجا ساکن شده باشد. پس کسانی که بصورت مأموریت در شهر دیگری برای مدتی معین و لو طولانی سکونت می کنند آنجا وطن آنها محسوب نمی شود.

و. این حکم مربوط به افرادی است که حداقل در کمتر از ده روز یک سفر داشته باشند. اما دانشجویان و کارمندان و طلاب و کسانی که در محل تحصیل یا محل کار بیش از ده روز می مانند یا هنگام مرخصی در وطن بیش از ده روز می مانند شامل این حکم نمی شوند. و نماز آنها در سفر شکسته است مگر اینکه قصد اقامت ده روز کنند.

کسی که در شهرها سیاحت می کند و برای خود وطنی اختیار نکرده باید نماز را تمام بخواند.

کسی که شغلش مسافرت نیست اگر مثلاً در شهری یا در دهی جنسی دارد که برای حمل آن مسافرتها پی در پی می کند، اگر حداقل چهار سفر یا بیشتر داشته باشد، نمازش تمام است.

کسی که از وطنش صرف نظر کرده و می خواهد وطن دیگری برای خود اختیار کند اگر شغلش مسافرت نباشد باید در این مسافرت نماز را شکسته بخواند.

شرط هشتم: آنکه از حد ترخص بگذرد یعنی از وطنش به قدری دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان را هم نشود ولی باید در هوا غبار یا چیز دیگری نباشد که از دیدن دیوار و شنیدن اذان جلوگیری کند، و لازم نیست به قدری دور شود که مناره و گنبد را نبیند یا دیوارها پیدا نباشد، بلکه همین قدر که دیوار کاملاً تشخیص داده نشود کافی است، و کسی که از جائی که قصد کرده ده روز در آنجا بماند به قصد هشت فرسخ خارج شود تا به حد ترخص نرسیده بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

کسی که به سفر می رود اگر به جائی برسد که اذان را نشنود ولی دیوار شهر را ببیند یا دیوارها را نبیند ولی صدای اذان را بشنود چنانچه بخواند در آنجا نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسافری که به وطنش برمی گردد وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود باید نماز را تمام بخواند ولی مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند وقتی دیوار آنجا را ببیند و صدای اذان را بشنود بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تأخیر بیندازد تا به منزل برسد یا نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

هرگاه شهر در بلندی باشد که از دور دیده شود یا به قدری گود باشد که اگر انسان کمی دور شود دیوار آن را نبیند کسی که از آن شهر مسافرت می کند وقتی به اندازه ای دور شود که اگر آن شهر در زمین هموار بود دیوارش از آنجا دیده نمی شد باید نماز را شکسته بخواند و نیز اگر پستی و بلندی خانه ها بیشتر از معمول باشد باید ملاحظه معمول را بنماید.

اگر از محلی مسافرت کند که خانه و دیوار ندارد وقتی به جائی برسد که اگر آن محل دیوار داشت از آنجا دیده نمی شد باید نماز را شکسته بخواند.

اگر به قدری دور شود که نداند صدائی را که می شنود صدای اذان است یا صدای دیگر باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر بفهمد اذان می گویند لکن کلمات آن را تشخیص ندهد باید نماز را تمام بخواند.

اگر به قدری دور شود که اذان خانه های آخر شهر را نشنود ولی اذان شهر را که معمولاً در جای بلند می گویند بشنود نباید نماز را شکسته بخواند.

اگر به جائی برسد که اذان شهر را که معمولاً در جای بلند می گویند نشنود ولی اذانی را که در جای خیلی بلند می گویند بشنود، باید نماز را شکسته بخواند.

اگر چشم یا گوش او یا صدای اذان غیر معمولی باشد در محلی باید نماز را شکسته بخواند که چشم متوسط دیوار خانه ها را نبیند و گوش متوسط صدای اذان معمولی را نشنود.

اگر بخواهد در محلی نماز بخواند که شک دارد به حد ترخص یعنی جائی که اذان را نشنود و دیوار را نبیند رسیده یا نه باید نماز را تمام بخواند و در موقع برگشتن اگر شک کند که به حد ترخص رسیده یا نه باید شکسته بخواند و چون در بعضی موارد اشکال پیدا می کند یا آنجا نماز نخواند یا هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسافری که در سفر از وطن خود عبور می کند وقتی به جائی برسد که دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود باید نماز را تمام بخواند.

مسافری که در بین مسافرت به وطنش رسیده تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند ولی اگر بخواهد از آنجا هشت فرسخ برود یا چهار فرسخ برود و برگردد وقتی به جائی برسد که دیوار وطن را نبیند و صدای اذان آن را نشنود باید نماز را شکسته بخواند.

وطن بر دو قسم است: ۱- وطن اصلی، یعنی جایی که وطن پدر و مادر یا یکی از آنها باشد و انسان همراه آنها در آنجا مدتی زندگی کرده باشد و چه در آنجا متولد شده باشد یا در جای دیگر. ۲- وطن غیر اصلی، یعنی جایی که انسان با اختیار خود به عنوان وطن انتخاب کند که در دو صورت محقق می شود:

الف: جایی را برای زندگی خود انتخاب کند و قصد داشته باشد تا آخر عمر در آنجا بماند.

ب: جایی را برای زندگی خود انتخاب کند و قصد رفتن از آنجا را نداشته باشد و آن قدر آنجا بماند که عرفاً او را اهل آنجا بدانند. بنابراین کسی که قصد داشته باشد مدتی هر چند طولانی در محلی بماند و بعد به جای دیگر برود آنجا وطن او نمی شود.

کسی که در دو محل زندگی می کند؛ مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر می ماند هر دو وطن او است اما اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته بخواند و هم تمام.

در غیر وطن اصلی و وطن غیر اصلی که ذکر شد در جاهای دیگر اگر قصد اقامه نکند نمازش شکسته است چه ملکی در آنجا داشته باشد یا نداشته باشد و چه در آنجا شش ماه مانده باشد یا نمانده باشد.

اگر به جائی برسد که وطن اصلی او بوده و عملاً از آنجا صرف نظر کرده یا به جائی برسد که وطن غیر اصلی او بوده و دیگر قصد ماندن در آنجا را ندارد، نباید نماز را تمام بخواند اگرچه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.

مسافری که قصد دارد ده روز پشت سرهم در محلی بماند یا می داند که بدون اختیار ده روز در محلی می ماند در آن محل باید نمازهای خود را تمام بخواند.

هرگاه شخصی بخواهد ۲۴۰ ساعت یا بیشتر در محلی بماند قصد اقامت محقق می شود و باید نماز را تمام بخواند. بنابراین اگر ساعت ۱۰ صبح وارد شهری شود در صورتی قصد اقامت محقق می شود که بخواهد بعد از ساعت ۱۰ صبح روز یازدهم آنجا را ترک کند. و اگر اذان صبح در محلی حضور پیدا کرد لازم نیست ۲۴۰ ساعت تمام شود بلکه اگر بخواهد تا غروب روز دهم بماند کفایت می کند و باید نماز را تمام بخواند.

مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند در صورتی باید نماز را تمام بخواند که بخواهد تمام ده روز را در یک جا بماند، پس اگر بخواهد مثلاً ده روز در نجف و کوفه بماند باید نماز را شکسته بخواند.

مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند اگر از اول قصد داشته باشد که در بین ده روز به اطراف آنجا برود چنانچه جائی که می خواهد برود از توابع آن باشد مانند باغ های اطراف شهر باید در همه ده روز نماز را تمام بخواند و اگر از توابع آن نباشد و کمتر از مسافت شرعی باشد، اگر به گونه ای باشد که شب و در زمان استراحت در محل قصد اقامت باشد، نمازش تمام است.

مسافری که تصمیم ندارد ده روز در جائی بماند مثلاً قصدش این است که اگر رفیقش بیاید یا منزل خوبی پیدا کند ده روز بماند باید نماز را شکسته بخواند.

کسی که تصمیم دارد ده روز در محلی بماند اگرچه احتمال دهد که برای ماندن او مانعی پیش بیاید، در صورتی که مردم به احتمال او اعتنائی نکنند باید نماز را تمام بخواند.

اگر مسافر بداند که مثلاً ده روز یا بیشتر، به آخر ماه مانده و قصد کند که تا آخر ماه در جائی بماند باید نماز را تمام بخواند ولی اگر نداند تا آخر ماه چقدر مانده و قصد کند که تا آخر ماه بماند باید نماز را شکسته بخواند اگرچه از موقعی که قصد کرده تا آخر ماه ده روز یا بیشتر باشد.

اگر مسافر قصد کند که ده روز در محلی بماند چنانچه پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود یا مردد شود که در آنجا بماند یا به جای دیگر برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود یا مردد شود، تا وقتی در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر روزه بگیرد و بعد از ظهر از ماندن در آنجا منصرف شود چنانچه یک نماز چهار رکعتی خوانده باشد روزه اش صحیح است و تا وقتی که در آنجا هست باید نمازهای خود را تمام بخواند و اگر یک نماز چهار رکعتی نخوانده باشد روزه آن روزش صحیح است اما نمازهای خود را باید شکسته بخواند و روزهای بعد هم نمی تواند روزه بگیرد.

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر از ماندن منصرف شود و شک کند که پیش از آنکه از قصد ماندن برگردد یک نماز چهار رکعتی خوانده یا نه باید نمازهای خود را شکسته بخواند.

اگر مسافر به نیت اینکه نماز را شکسته بخواند مشغول نماز شود و در بین نماز تصمیم بگیرد که ده روز یا بیشتر بماند باید نماز را چهار رکعتی تمام نماید.

مسافری که قصد کرده ده روز در جائی بماند اگر در بین نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد چنانچه مشغول رکعت سوّم نشده باید نماز را دو رکعتی تمام کند و بقیه نمازهای خود را هم شکسته بخواند و اگر داخل رکوع رکعت سوّم شده احتیاط واجب آن است که نماز را تمام بخواند و دو رکعت شکسته هم بخواند و تا آنجا می ماند این احتیاط را ترک نکند.

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بیشتر از ده روز در آن جا بماند تا وقتی که مسافرت نکرده باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند باید روزه واجب را بگیرد و می تواند روزه مستحبی را هم بجا آورد و نماز جمعه و نافله ظهر و عصر و عشا را هم بخواند.

مسافری که قصد کرده ده روز در جائی بماند اگر به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود و برگردد به محل اقامه خود، باید نماز را تمام بخواند.

مسافری که قصد کرده ده روز در جائی بماند اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی و تحقق قصد اقامت تصمیم بگیرد به جای دیگری که کمتر از هشت فرسخ است برود و ده روز در آنجا بماند باید در رفتن و در جائی که قصد ماندن ده روز کرده نمازهای خود را تمام بخواند ولی اگر جائی که می خواهد برود هشت فرسخ یا بیشتر باشد باید موقع رفتن نمازهای خود را شکسته بخواند و چنانچه در آنجا قصد ماندن ده روز کرد نمازش را تمام بخواند.

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بخواند به جائیکه کمتر از چهار فرسخ است برود چنانچه مردد باشد که به محل اولش برگردد یا نه، یا به کلی از برگشتن به آنجا غافل باشد باید از وقتی که می رود تا برمی گردد و بعد از برگشتن نمازهای خود را تمام بخواند بلی اگر تصمیم دارد که دیگر به عنوان رجوع به محل اقامت به آنجا برنگردد احتیاط واجب این است که در راه رفتن به آن محل و در آنجا هم نماز شکسته بخواند و هم تمام ولی هنگام برگشت از آنجا نمازش شکسته است و اگر مسافت تا آن محل چهار فرسخ کمتر نباشد هنگام خروج از محل اقامت شکسته بخواند کافیت.

اگر به خیال این که رفقای می خواهند ده روز در محلی بمانند قصد کند که ده روز در آنجا بماند و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بفهمد که آنها قصد نکرده اند اگرچه خودش هم از ماندن منصرف شود تا مدتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.

اگر مسافر بعد از رسیدن به هشت فرسخ، سی روز در محلی بماند و در تمام سی روز در رفتن و ماندن مردد باشد در طول این مدت نمازش شکسته است ولی بعد از گذشتن سی روز اگرچه مقدار کمی در آنجا بماند باید نماز را تمام بخواند ولی اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ در رفتن بقیه راه مردد شود از وقتی که مردد می شود باید نماز را تمام بخواند.

مسافری که می خواهد نه روز یا کمتر در محلی بماند اگر بعد از آنکه نه روز یا کمتر را در آنجا ماند بخواند دوباره نه روز دیگر یا کمتر بماند در تمام این مدت تا سی روز نمازش شکسته است ولی از روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند اگرچه به مقدار یک نماز بماند.

مسافری که سی روز مردد بوده در صورتی باید نماز را تمام بخواند که سی روز را در یکجا بماند پس اگر مقداری از آن را در جائی و مقداری را در جای دیگر بماند بعد از تمام شدن سی روز هم باید نماز را شکسته بخواند.

نماز قضا

کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده باید قضای آن را بجا آورد، اگرچه در تمام وقت نماز خواب مانده یا به واسطه مستی نماز نخوانده باشد. ولی نمازهای یومیه ای را که زن در حال حیض یا نفاس نخوانده است، قضا ندارد.

اگر بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده، باید قضای آن را بجا آورد.

اگر بچه قبل از تمام شدن وقت ولو به مقدار یک رکعت بالغ شود، نماز به نحو اداء بر او واجب است و چنانچه ترک نماید، قضا آن نماز بر او واجب است و همچنین اگر زن حائض یا نفاس قبل از تمام شدن وقت، عذر آنان برطرف شود و بتوانند با غسل ولو یک رکعت از نماز را در وقت درک بکنند.

بر شخصی که نماز جمعه واجب است چنانچه آن را در وقتش انجام ندهد لازم است نماز ظهر را بخواند و چنانچه نماز ظهر را هم ترک کرد باید قضا نماز ظهر را بجا آورد.

قضاء نمازهای واجب را در هر وقتی از شبانه روز می توان انجام داد چه در سفر و چه در حضر، لکن در حضر چنانچه بخواند نماز در سفر را قضا کند باید به صورت قصر قضا کند و برعکس چنانچه بخواند در سفر نماز قضا شده در حضر را انجام دهد باید به صورت تمام قضا کند.

چنانچه نماز در مکانهایی که مانند مسجد الحرام مکلف مخیر بین قصر و اتمام است خوانده نشود، احتیاط واجب آن است که چنانچه در غیر آن امکانه قضاء کند به صورت قصر انجام دهد و چنانچه در همان امکانه بخواند قضا کند مخیر است بین قصر و اتمام.

کسی که نماز قضا دارد باید در خواندن آن سستی نکند لکن واجب نیست فوراً آن را انجام دهد.

کسی که نماز قضاى روزى که مى خواهد نماز اداء را بخواند بر او واجب باشد، احتیاط واجب تقدیم نماز قضاء بر نماز اداء همان روز است.

کسی که نماز قضا دارد مى تواند نماز مستحبى بخواند.

احتیاط واجب، رعایت ترتیب در قضاء نمازهای یومیه است، برای کسی که ترتیب قضا شدن نمازهای خود را مى داند و در نمازهایی که در اداء آنها ترتیب لازم است مانند نماز ظهر و عصر، لازم است در قضا ترتیب بین آنها رعایت شود.

اگر بخواند قضاى چند نماز غیر یومیه مانند نماز آیات را بخواند یا مثلاً بخواند قضاى یک نماز یومیه و چند نماز غیر یومیه را بخواند، لازم نیست آنها را به ترتیب قضا نماید.

اگر کسی نداند که نمازهایی که از او قضا شده کدام یک جلوتر بوده لازم نیست به طوری بخواند که ترتیب حاصل شود و مى تواند هر کدام را مقدم بدارد.

اگر برای میتى مى خواهند نماز قضا بدهند و ورثه علم به ترتیب نمازهای فوت شده داشته باشند بنا بر احتیاط لازم است ترتیب رعایت شود، و بنابراین صحیح نیست برای میت چند نفر را در یک وقت برای نماز اجیر نمود و لازم است برای هر یک از آنها وقتی را معین نمود و اگر ترتیب قضا شدن را نمى دانند این شرط لازم نیست.

کسی که چند نماز از او قضا شده و شماره آنها را نمى داند مثلاً نمى داند چهار تا بوده یا پنج تا، چنانچه مقدار کمتر را بخواند کافی است، لکن احتیاط واجب آن است چنانچه شماره آنها را قبلاً مى دانسته و بعد فراموش نموده مقدار زیادتر را بخواند.

تا انسان زنده است اگرچه از خواندن نماز قضاهاى خود عاجز باشد، دیگری نمى تواند به عنوان نایب نمازهای او را قضا کند.

نماز قضا را با جماعت مى شود خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا و لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند مثلاً اگر نماز قضاى صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.

مستحب است بچه ممیز یعنی بچه ای که خوب و بد را مى فهمد به نماز خواندن و عبادتهای دیگر عادت دهند، بلکه مستحب است او را به قضاى نمازها هم وادار نمایند.

نماز قضاى پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است

اگر پدر نماز خود را به جهت عذرى که داشته است بجا نیاورده باشد، بر پسر بزرگتر واجب است که بعد از مرگش بجا آورد، یا برای او اجیر بگیرد بلکه اگر از روی نافرمانی

هم ترک کرده باشد، بنا بر احتیاط واجب همینطور عمل کند. و اگر پدر روزه را به جهت مرض یا سفر نگرفته باشد در صورتی که در زمان حیات می توانسته قضا کند و نکرده باید پسر بزرگتر قضا کند.

احتیاط واجب آن است که پسر بزرگتر نماز و روزه فوت شده مادر را قضا نماید.

بر پسر بزرگتر قضاء نمازهای مربوط به خود پدر و مادر واجب است اما قضاء نمازهایی که بر آنها به نحو استیجار واجب شده یا اینکه از پدر یا مادر آنها بر ذمه آنها بوده، واجب نیست.

بر پسر (نوه) قضای نماز میت در صورتی که در حال مردن میت، از همه بچه های او بزرگتر باشد واجب نیست، و احتیاط واجب آن است که اگر میت فرزندی نداشته باشد، نمازهای او را قضا کند.

لازم نیست که پسر بزرگتر در حال مردن پدر یا مادر، بالغ باشد بلکه چنانچه طفل باشد بعد از بلوغ لازم است قضا کند و چنانچه قبل از بلوغ بمیرد بر فرزند بعدی واجب نیست.

چنانچه یکی از اولاد از نظر سنی بزرگتر و دیگری از جهت بلوغ بزرگتر باشد قضاء نماز بر اولی واجب است.

لازم نیست پسر بزرگتر وارث میت باشد، بنابراین حتی اگر از ارث به یکی از اسباب منع مانند قتل یا کفر، ممنوع باشد، قضا واجب است.

اگر معلوم نباشد که پسر بزرگتر کدام است، قضا بر هیچ کدام واجب نیست، لکن احتیاط مستحب آن است که نماز و روزه پدر یا مادر را بین خودشان تقسیم کنند یا به وسیله قرعه یکی را برای انجام آن معین نمایند.

اگر میت وصیت کرده باشد که برای نماز و روزه او اجیر بگیرند، بعد از آن که اجیر، نماز و روزه او را به طور صحیح بجا آورد، بر پسر بزرگتر چیزی واجب نیست و همچنین اگر کسی مجاناً از طرف میت، نماز و روزه او را قضا نماید.

در بلند خواندن یا آهسته خواندن نماز، پسر بزرگتر باید به وظیفه خویش عمل نماید یعنی قضاء نماز صبح و مغرب و عشاء را باید بلند بخواند اگرچه از طرف مادر قضا نماید.

چنانچه دو پسر با یکدیگر دوقلو باشند، آن کسی که زودتر متولد شده است بزرگتر است ولو اینکه نطفه دیگری زودتر منعقد شده باشد.

در صورتی که شخص در وسط وقت بعد از گذشتن مقداری که امکان خواندن نماز در آن بود بمیرد، قضاء آن نماز بر پسر بزرگتر واجب است.

در صورتی که میت پسر نداشته باشد بر دیگران واجب نیست نماز قضای میت را بخوانند، و چنانچه وصیت به قضا کرده باشد باید از ثلث مال او انجام داد.

اگر پسر بزرگ تر قبل از تمکن از قضا نمازها و روزه های فوت شده پدر بمیرد باید پسر کوچک تر از او آنها را قضا کند.